

فساد اداری و اثرگذاری آن بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (با تمرکز بر کشور افغانستان)

احمدعلی رضایی*

چکیده

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به عنوان یکی از عوامل مهم رشد و توسعه اقتصادی کشورهای میزبان به شمار می‌رود و طی دهه‌های اخیر از روند فزاینده‌ای نیز برخوردار بوده است. شناخت عوامل مؤثر بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌تواند در سیاست‌گذاری شورایی که نتوانسته‌اند از این عامل به خوبی استفاده کنند، مفید باشد. یکی از عوامل مهم و اثرگذار بر جریان مستقیم سرمایه‌گذاری خارجی، فساد اداری و اقتصادی کشورها است؛ لذا در این مطالعه به بررسی میزان اثرگذاری فساد اداری و اقتصادی بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ۱۰ کشور برتر دنیا از نظر میزان فساد اداری و اقتصادی پرداخته می‌شود. در این مطالعه از شاخص ادراک فساد برای اندازه‌گیری فساد اداری در این گروه کشورها استفاده شده و با استفاده از داده‌های دوره زمانی ۲۰۱۲-۲۰۱۸ و رهیافت اقتصادسنجی داده‌های تابلویی به بررسی این موضوع پرداخته شده است. یافته‌های اصلی این مطالعه نشان می‌دهد که نسبت به سایر متغیرهای مورد بررسی، فساد اداری و اقتصادی در تصمیم سرمایه‌گذاران برای مکان سرمایه‌گذاری نقش مهم‌تری ایفا می‌کند. به عبارت دیگر، کشورهایی که میزان پایین‌تری

* ماستر علوم اقتصادی.

از فساد اداری و اقتصادی را دارند، جریان‌های سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بیش‌تری دریافت می‌کنند.

واژه‌های کلیدی: فساد اداری، اقتصادی، رشد، توسعه، افغانستان.

۱. مقدمه

طی دهه گذشته، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی^۱ در کل گردش سرمایه، سهم بسیار زیادی را به خود اختصاص داده است. در سال ۱۹۹۸، بیش از نیمی از گردش سرمایه در بخش خصوصی کشورهای در حال توسعه حاصل از جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بود. این نوع ترکیب گردش سرمایه و به‌ویژه پس از بحران دهه‌ی ۱۹۸۰ و بحران اخیر در کشورهای در حال توسعه، سیاست‌گذاران کشورهای در حال توسعه را برای جذب بیش‌تر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تحریک کرده است. دلیل اصلی جهت تلاش بیش‌تر برای جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از این عقیده نشأت می‌گیرد که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی اثرات مثبتی شامل کسب دارایی، انتقال تکنولوژی، معرفی فرایندهای جدید، تقویت توان مدیریتی آموزش کارکنان و دسترسی به بازارهای خارجی دارد. لازم به ذکر است که در قالب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، تولیدات یا تکنولوژی جدید را به بازار داخلی معرفی می‌کنند و شرکت‌های داخلی از انتشار سریع تکنولوژی جدید منتفع می‌شوند. با ورود تکنولوژی به کشور جابه‌جایی نیروی کار نیز اتفاق می‌افتد؛ به این صورت که نیروی کار از خارج به شرکت‌های داخلی منتقل می‌شود. مزایای اشاره‌شده به این نکته متمرکز است که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌تواند نقش مهمی را در مدرنیزه کردن اقتصاد ملی داشته باشد و بر اساس این موضوع، دولت‌ها غالباً انگیزه بالایی را برای جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی دارند.

از جمله کشورهایی که انگیزه زیادی برای جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی دارند، کشور افغانستان می‌باشد. افغانستان به عنوان کشور پسا‌جنگ، نیاز مبرم به بازسازی و انکشاف ساختارهای اقتصادی در ابعاد مختلف با توجه به نیازمندی‌های روز دارد. افغانستان ناگزیر است ساخته شود؛ آن‌هم متناسب به ایجابات قرن بیست و یکم. همکاری‌های مالی، نظامی و سیاسی جامعه جهانی، نیاز جدی به اعمار مجدد و انکشاف زیرساخت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در افغانستان و موجودیت میلیون‌ها کارگر ارزان، کشور را به یک پتانسیل فوق‌العاده خوب برای سرمایه‌گذاری تبدیل کرده است؛ ولی از سوی دیگر، ناامنی و ترور، فساد اداری در نهادهای دولتی و نبود کارگر ماهر، چالش‌های جدی‌اند که به شدت این فرصت‌های بی‌نظیر سرمایه‌گذاری در کشور را تحت تأثیر قرار

1. Foreign Direct Investment (FDI).

داده‌اند؛ اما در عین حال، مسئولان در بخش‌های مختلف دولت افغانستان فرصت‌های سرمایه‌گذاری در کشور را مساعدتر و قوی‌تر از چالش‌های متذکره تعریف می‌کنند. هرچند فرصت‌های سرمایه‌گذاری در افغانستان خیلی وسیع پنداشته می‌شود و نکته‌ای که خیلی درخور اهمیت است، شرایط نوین افغانستان است که بستری خوبی را برای سرمایه‌گذاری به میزان‌های مختلف، یعنی سرمایه‌گذاری کلان، متوسط، کوچک و خیلی کوچک، در اختیار دارد؛ از این‌رو، در نوعیت و مقدار سرمایه‌گذاری در افغانستان هیچ نوع محدودیت وجود ندارد؛ ولی به طور کلی، در چند بخش بزرگ فرصت مناسب برای سرمایه‌گذاری‌های کلان با شرایط نسبتاً سهلی فراهم شده است؛ از جمله این بخش‌ها می‌توان به بخش‌های ترانزیت و زراعت، بخش معادن و منابع طبیعی اشاره کرد.

اما یکی از عواملی که می‌تواند بر میزان جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در همه کشورهای و به طور خاص کشور افغانستان اثرگذار باشد، فساد اداری و اقتصادی است. میزان فساد اداری و اقتصادی حداقل با یکی از مقیاس‌های آزادی اقتصادی که حمایت از حقوق سرمایه است، همبستگی شدید دارد و با میزانی کم‌تر با دیگر مقیاس‌ها مثل جریان آزاد سرمایه و آزادی مبادله، همبستگی دارد. این موضوع تعجب‌آور نیست؛ چون هرچه میزان محدودیت‌هایی که دولت بر شهروندان تحمیل می‌کند بیش‌تر باشد، وقتی تصمیمات اداری دسترسی به مبادلات خارجی را تعیین کنند و ریسک منع تعاملات مطلوب و قانونی افزایش یابد، میزان فساد (مثلاً رشوه‌خواری) بیش‌تر خواهد شد؛ لذا در این مطالعه به بررسی میزان و نحوه اثرگذاری فساد اداری و اقتصادی بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ۱۰ کشور که رتبه‌های بالایی از فساد اداری و اقتصادی را دارند، پرداخته می‌شود. در ادامه به بررسی ادبیات مربوط به فساد اداری و اقتصادی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی پرداخته می‌شود. سپس روش تحقیق بیان شده و در نهایت نیز به برآورد الگوی مورد بررسی و نتیجه‌گیری پرداخته می‌شود.

۲. ادبیات تحقیق

۱-۲. مفهوم فساد اداری

بنیاد اندیشه
تاسیس ۱۳۹۴

طبق تعریف فرهنگ ویستر، «فساد، یک پاداش نامشروعی است که برای ورود فرد (کارگزار دولتی) به تخلف از وظیفه محوله پرداخت می‌شود.» «گونار میردال» عقیده دارد که فساد اداری به موارد گوناگون از انحراف یا اعمال قدرت شخصی و استفاده نامشروع از مقام و موقعیت شغلی قابل اطلاق است. «جی اس نای.» فساد را رفتاری می‌داند که به دلیل جاه‌طلبی‌های شخصی، معرف انحراف از شیوه عادی انجام وظیفه باشد و به صورت تخلف از قوانین و مقررات و انجام دادن اعمالی از قبیل ارتشا، پارتی‌بازی و اختلاس تجلی می‌کند و در نهایت، بانک جهانی و سازمان شفافیت بین‌الملل، فساد را

سوءاستفاده از اختیارات دولتی (قدرت عمومی) برای کسب منافع شخصی (خصوصی) می‌دانند. این تعریف مورد توافق عمومی در جهان است.

فساد در سطح کلان با فساد در سطح خرد کاملاً متفاوت است؛ به گونه‌ای که فساد دولت‌مردان، وزرا و کارمندان عالی‌رتبه را فساد کلان و فساد کارمندان جزء، مثل افراد پلیس و مأموران گمرک را فساد خرد می‌گویند. کنترل فساد کلان، مقدم بر فساد خرد است؛ زیرا بدون کنترل فساد کلان، امیدی به حل مشکل فساد خرد نیست. فساد کلان، فسادی است که توسط مقامات رده‌بالای اداری به صورت گروهی و شبکه‌ای با مبالغ قابل توجه صورت می‌گیرد. مرتکبان این نوع فساد، جزء گروه مجرمان «یقه‌سفید» و از صاحبان زر و زور هستند و با آن‌که زیان‌ها و خسارات غیر قابل جبرانی بر پیکر اجتماع وارد می‌سازند، کم‌تر تحت تعقیب و مجازات دستگاه عدالت قرار می‌گیرند. این گروه با برخورداری از «توان توجیه» یا «حمایت» یا «امکان فرار» اصولاً مصون از تعقیب می‌مانند. مطالعات نشان می‌دهد که در کشورهای مختلف، فساد اداری در رده‌های میانی و پایینی نظام اداری تا حد زیادی به میزان فساد در بین سیاست‌گذاران و کارمندان عالی‌رتبه بستگی دارد.

امروزه، فساد اداری و مالی به یک معضل جهانی مبدل شده؛ به طوری که این پدیده، باعث تحلیل‌رفتن سیستم و افت عملکرد در سازمان‌ها می‌شود. هم‌چنین، بر دلگرمی، صداقت و درستی مدیران و کارکنانی که نظارت و کنترل در اجرای قانون را بر عهده دارند، تأثیر منفی می‌گذارد. وجود یک سیستم تنظیم‌کننده و نظارتی قوی و یک چارچوب قانونی مناسب، به خوبی می‌تواند باعث افزایش دلگرمی عمومی و کاهش ریسک فساد مالی در جامعه شود؛ زیرا فساد، اعتقاد و ارزش‌های اخلاقی را متزلزل می‌کند و هزینه انجام کارها را افزایش می‌دهد و هم‌چنین موجب گسترش جرم در سطح جامعه می‌شود؛ به گونه‌ای که جامعه در برخورد با این جرایم، متحمل خسارت اجتماعی و اقتصادی شدیدی می‌شود و رشد رقابت‌پذیری و توسعه اقتصادی و انسانی را دشوار می‌گرداند. فساد موجب ناکام ماندن تلاش‌های فقرزدایی، از بین‌رفتن سرمایه اجتماعی و ایجاد بی‌انگیزگی و بدبینی در اجتماع گردیده، زمینه تضعیف روحیه افراد درست‌کار را فراهم می‌آورد و در نهایت، فساد موجب انحطاط شده و سیاست‌های دولت را در تضاد با منافع اکثریت قرار می‌دهد و باعث هدر رفتن منابع ملی می‌شود. هم‌چنین، به کاهش اثربخشی دولت‌ها در هدایت امور می‌انجامد و از این طریق، اعتماد مردم را نسبت به دستگاه‌های دولتی و غیر دولتی کاهش و بی‌تفاوتی، تنبلی و بی‌کفایتی را افزایش می‌دهد. نگرانی‌های مسئولان درباره شیوع گسترده فساد باعث شد تا جامعه علمی را مجبور کند تا دست به کار شود و اقدامات مؤثری در جهت مقابله با این پدیده شوم به عمل آورند.

فساد تا جایی که به سازمان و فرایندهای سازمانی مربوط می‌شود، به اجزای سه‌گانه سیاسی،

قانونی و اداری قابل تقسیم است.

۱. فساد سیاسی: بنا به تعریفی کلی، فساد سیاسی عبارت است از سوءاستفاده از قدرت سیاسی در جهت اهداف شخصی و نامشروع. اصولاً، فساد سیاسی و قدرت همزاد یکدیگرند؛ یعنی تا زمانی که قدرت وجود نداشته باشد، از فساد سیاسی هم اثری نخواهد بود. همان‌گونه که روسو اعلام می‌دارد: فساد سیاسی نتیجه حتمی کشمکش و تلاش بر سر کسب قدرت است (فرهادی‌نژاد، ۱۳۹۸).

۲. فساد قانونی: منظور از فساد قانونی، وضع قوانین تبعیض‌آمیز به نفع سیاست‌مداران قدرتمند و طبقات مورد لطف حکومت است. این نوع رفتار که در اصطلاح به آن فساد قانونی اطلاق می‌شود، این باور عمومی را که فساد فقط شامل اعمالی می‌شود که مغایر با قانون باشد را رد می‌کند. برای مثال: قوانینی که بدون هیچ‌گونه توجیه اقتصادی و یا اجتماعی انحصار خرید، فروش یا تولید یک محصول را به یک فرد یا گروه از افراد اختصاص می‌دهند، نمونه‌هایی از این نوع فساد است (حبیبی، ۱۳۹۵).

۳. فساد اداری: صاحب‌نظران و کارشناسان علوم اجتماعی، تعاریف مختلف و بعضاً مشابهی از فساد اداری ارائه نموده‌اند؛ به عنوان نمونه: اسکات معتقد است که فساد اداری به رفتاری اطلاق می‌شود که در آن فرد به دلیل تحقق منافع خصوصی خود و دست‌یابی به رفاه بیش‌تر و یا موقعیت بهتر، خارج از چارچوب رسمی وظایف یک نقش دولتی عمل می‌کند. از نظر هانتینگتون، فساد اداری به مجموعه رفتارهای آن دسته از کارکنان بخش عمومی اطلاق می‌شود که در جهت منافع غیر سازمانی، ضوابط و عرف پذیرفته‌شده را نادیده می‌گیرند. به عبارت دیگر، فساد اداری نامشروع برای برآوردن تقاضاهای نامشروع از نظام اداری است (فرهادی‌نژاد، ۱۳۹۸).

بنیاد اندیشه
تاسیس ۱۳۹۴

۲-۱-۱. انواع فساد اداری

فساد اداری به وضعیتی در نظام اداری گفته می‌شود که در اثر تخلفات مکرر و مستمر کارکنان به وجود می‌آید و جنبه‌ای فراگیر دارد که در نهایت آن را از کارایی و اثربخشی مورد انتظار باز می‌دارد. این تخلفات که مجموعاً به فساد اداری منجر می‌شود، انواع مختلفی دارند که عبارتند از:

۱. فساد مالی که خود به چندین نوع تقسیم می‌شود:

- ارتشا؛

- اختلاس؛

- فساد در خریدهای دولتی از بخش خصوصی؛
- فساد در قراردادهای مقاطعه‌کاری دولت با پیمان‌کاران؛
- فساد مالیاتی؛
- ۲. استفاده شخصی از اموال دولتی؛
- ۳. کم‌کاری، گزارش مأموریت کاذب، صرف وقت در اداره برای انجام کارهایی به غیر از وظیفه اصلی؛
- ۴. سرقت اموال عمومی از سوی کارکنان؛
- ۵. اسراف و تبذیر؛
- ۶. ترجیح روابط بر ضوابط؛
- ۷. فساد در شناسایی و مبارزه با قانون‌شکنی (تساهل و تسامح نسبت به فساد)؛
- ۸. فساد در ارائه کالا و خدمات دولتی؛
- ۹. فساد در صدور مجوز برای فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی؛
- ۱۰. فساد استخدامی (عدم رعایت ضوابط و معیارهای شایستگی در گزینش، انتخاب و ارتقای افراد در سازمان) (فرهادی‌نژاد، ۱۳۹۸).

۲-۲. رابطه بین فساد اداری و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

انباشت سرمایه به عنوان یکی از عوامل اساسی فرایند رشد اقتصادی کشورها مطرح است که از طریق منابع داخلی یا خارجی قابل تأمین است. منابع مالی خارجی به عنوان مکملی برای پس‌انداز داخلی، افزون بر پرکردن شکاف پس‌انداز- سرمایه‌گذاری، راه‌حلی برای مقابله با شکاف منابع ارزی نیز می‌باشد. در کشورهای در حال توسعه، منابع مالی خارجی شامل کمک‌های بلاعوض کشورهای توسعه‌یافته، جریان مالی ناشی از منابع متعدد نظیر بانک جهانی، بانک‌های منطقه‌ای، سرمایه‌گذاری غیر مستقیم و مستقیم خارجی است. سرمایه‌گذاری مستقیم و غیر مستقیم خارجی بیش‌تر به وسیله بخش خصوصی و در قالب شرکت‌های چندملیتی صورت می‌گیرد و از آن به‌عنوان جریان خصوصی سرمایه یاد می‌شود. فواید سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی شامل جذب سرمایه، تکنولوژی، دانش روز، بالابردن توانایی مدیریت، افزایش اشتغال، بهبود تراز پرداخت‌ها و افزایش قدرت رقابت است. البته، باید خاطرنشان کرد که ضعف مدیریت و سیاست‌های ناصحیح در زمینه جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌تواند پیامدهای منفی از قبیل ایجاد ساختار بازار انحصاری در بلندمدت، انهدام

صنایع با مقیاس تولید کوچک و نیز تشدید بیکاری را نیز به همراه داشته باشد. با توجه به نقش مهم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و گسترش فرایند جهانی‌شدن، کشورهای جهان طی دهه‌های اخیر برای جذب این نوع سرمایه، برنامه‌ریزی و تلاش‌های وسیعی کرده‌اند. در واقع، بازار جهانی جذب این سرمایه‌ها بسیار رقابتی شده است. این رقابت، به‌ویژه میان کشورهای در حال توسعه، با توجه به لزوم دستیابی سریع به توسعه و کمبود منابع مالی بیش‌تر شکل گرفته است. این‌گونه کشورها به دنبال جذب انواع سرمایه هستند و بدین منظور، تمهیدات گوناگونی برای جذب این نوع سرمایه‌ها به کار می‌برند.

روند جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای جهان یکسان نبوده است؛ به طوری که کشورهای توسعه‌یافته به مراتب از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بیش‌تری برخوردار شده‌اند. در میان کشورهای در حال توسعه نیز برخی کشورها مانند چین، کوریا و هند توانسته‌اند سهم نسبتاً زیادی از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی جهانی را جذب نمایند. شناسایی عوامل مؤثر بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در یک گستره بین‌المللی که شامل هردو گروه کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه باشد، می‌تواند برای برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری کشورهایی که تا کنون نتوانسته‌اند از این ابزار مهم استفاده مناسبی برای رشد اقتصادی‌شان بکنند، مفید باشد. از جمله عوامل اثرگذار بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، فساد اداری است. فساد به عنوان عاملی بازدارنده و ترساننده برای سرمایه‌گذاران خارجی ایفای نقش می‌نماید. ادبیات مربوط نشان می‌دهد که سطوح بالای فساد از طریق کاهش رشد اقتصادی، موجب افزایش نابرابری درآمدها و فقر خواهد شد.

۳. الگوی پژوهش

در مطالعه حاضر، با توجه به مبانی نظری و مطالعات تجربی گذشته و به پیروی از چانلای (۱۹۹۷) برای دستیابی به اطلاعاتی در خصوص موافقت‌نامه‌های سرمایه‌گذاری و سیاست‌های مؤثر بر جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی برای توضیح روند سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای جهان از متغیرهای درجه باز بودن اقتصاد، هزینه‌های دولتی، نقدینگی، تورم و فساد اداری استفاده می‌شود؛ بنابراین، مدل سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را می‌توان به صورت زیر نوشت:

$$FDI = \beta_0 + \beta_1 OPEN + \beta_2 GC + \beta_3 M2 + \beta_4 INF + \beta_5 COR + U_i$$

که در آن FDI سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، OPEN درجه باز بودن اقتصاد، GC اندازه دولت، M2 نقدینگی، INF تورم و COR شاخص فساد اداری می‌باشد. U_i نیز بیانگر جمله تصادفی مدل است که اختلاف سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی هر کشور از مقدار برآورده‌شده آن در مدل را نشان

می‌دهد و دارای ویژگی‌های استاندارد جمله تصادفی یعنی میانگین صفر و واریانس ثابت است. جزئیات مربوط به هریک از متغیرها به شرح زیر است.

۳-۱. درجه باز بودن اقتصاد^۱

با مجموع صادرات و واردات کالا و خدمات به عنوان سهمی از GDP، اندازه‌گیری می‌شود. باز بودن اقتصاد از دو بعد قابل بررسی است.

۱. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی با جهت‌گیری بازار؛

۲. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی با جهت‌گیری صادراتی.

هدف سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی با جهت‌گیری بازار در واقع تجهیز سرمایه‌گذاری در یک کشور معین برای عرضه کالا و خدمات به بازار محلی است. این نوع سرمایه‌گذاری ممکن است وظیفه نگهداری و حفاظت از بازارهای موجود، با ایجاد علاقه در مشتریان و یا گسترش بازارهای جدید داخلی را به عهده بگیرد. در این حالت، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی علی‌رغم ایجاد محدودیت‌های صادراتی در کشور میزبان به منظور تأمین نیازهای داخلی انجام می‌شود. از سوی دیگر، هدف از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی با جهت‌گیری صادرات به‌کارگیری منابع ویژه و مشخص در کشورهای میزبان است؛ به طوری که متعاقب آن محصول تولیدشده را به کشور عرضه‌کننده یا کشور ثالث صادر می‌کنند. علامت درجه باز بودن اقتصاد در رگرسیون بستگی به قدرت نسبی این دو اثر متضاد دارد.

۳-۲. تورم^۲

تورم درصد تغییرات سالانه در هزینه مصرف متوسط سبد کالا و خدمات است که بیش‌تر از شاخص لاسپیرز برای محاسبه آن استفاده می‌شود (بانک جهانی، ۲۰۰۹). افزایش مداوم قیمت‌ها منجر به کاهش ارزش دارایی‌های داخلی می‌شود، در نتیجه سرمایه‌داران و شهروندان ترجیح می‌دهند که برای حفظ ارزش واقعی دارایی‌های خود، ترکیب بهینه آن‌ها را به نفع دارایی‌های خارجی تغییر دهند. از سوی دیگر، افزایش قیمت‌ها به کاهش سود خالص سرمایه‌گذاری و ارزش دارایی‌ها می‌انجامد و ورود سرمایه به کشور را کاهش می‌دهد. تورم منجر به افزایش ریسک سرمایه‌گذاری و کاهش متوسط سررسید وام‌های تجاری و اختلال در اطلاعات منتقل شده به وسیله قیمت‌ها می‌شود. تورم هم‌چنین، نشانه بی‌ثباتی و عدم کنترل سیاست‌های کلان است که می‌تواند در جذب سرمایه‌گذاری خارجی اثر

1. OPEN.

2. INF.

منفی بگذارد (شاه‌آبادی و محمودی، ۱۳۹۵).

۳-۳. فساد اداری^۱

این شاخص، تقریبی از هزینه مبادلات ناشی از فساد و ریسک سیاسی است که با استفاده از ترکیبی از رشوه‌خواری ادارات دولتی، بازپرداخت‌های خریدهای عمومی، اختلاس در بودجه عمومی، احتمال تغییر در حکومت و تلاش‌های مبارزه با فساد محاسبه می‌شود. این شاخص هردو امور اجرایی و سیاسی در امر فساد را در بردارد و بین ۱ (بیش‌ترین فساد و ریسک سیاسی) تا ۱۰ (کم‌ترین فساد و ریسک سیاسی) رتبه‌بندی شده است. فساد ضمن افزایش هزینه فعالیت تجاری، فرایند گرفتن مجوزهای تجاری لازم برای عملیات در اقتصاد میزبان را افزایش دهد؛ بنابراین، انتظار می‌رود که علامت آن در رگرسیون منفی باشد.

۳-۴. نقدینگی^۲

این شاخص مجموع اسکناس و مسکوک در دست مردم و سپرده‌های دیداری و غیر دیداری را نسبت به تولید ناخالص داخلی اندازه‌گیری می‌کند. نقدینگی می‌تواند از دو طریق بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی مؤثر واقع شود: اول، اثر مثبت نقدینگی در سطح تولید در کوتاه‌مدت است که می‌تواند به علت افزایش فعالیت‌های اقتصادی موجب جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی شود. دوم، اثر تورمی نقدینگی، به‌ویژه در بلندمدت، است که می‌تواند اثر منفی بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی داشته باشد؛ بنابراین، اثر خالص نقدینگی بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، بستگی به قدرت نسبی این دو نیرو خواهد داشت.

هزینه‌های دولت

نسبت مخارج مصرفی دولت را نسبت به GDP نشان می‌دهد که شامل هزینه‌های جاری دولت است و از آن به عنوان تقریبی برای اندازه دولت استفاده می‌شود. منطق استفاده از این متغیر در مدل سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی این است که نخست اندازه بزرگ دولت، فرصت‌های سوءاستفاده از سرمایه توسط مأموران دولتی را فراهم خواهد نمود؛ دوم، دولت بزرگ باعث ایجاد پدیده جان‌شینی جبری سرمایه‌گذاری بخش خصوصی داخلی و خارجی در بخش‌های حساس اقتصاد خواهد شد و سوم، دولت بزرگ ساختار پیچیده و مشکلی را ایجاد می‌کند که محیط مناسبی برای جذب

1. COR.

2. M2.

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نخواهد بود.

۴. برآورد مدل و تجزیه و تحلیل نتایج

قبل از برآورد مدل، ابتدا به منظور کسب اطمینان از مانایی متغیرها و برای جلوگیری از شرایط رگرسیون جعلی، به انجام آزمون ریشه واحد برای کلیه متغیرها می‌پردازیم. نتایج آزمون ریشه واحد برای داده‌های پانل با روش فیشر از طریق آزمون PP در جدول (۱) گزارش شده است.

جدول ۱. مانایی متغیرهای الگو

نتیجه	احتمال	آماره PP	متغیر
(۰)I	۰۰۰۱/۰	۰۵-۶۶E/۴-	FDI
(۰)I	۰۰۰۱/۰	۰۰۳۰۹۷۵۷۴/۰-	OPEN
(۰)I	۰۰۰۱/۰	۰۰۴۳۳۰۳۴۳/۰-	GC
(۰)I	۰۰۴۱/۰	۰۵-۱۲E/۳-	M _۲
(۰)I	۰۰۴۱/۰	۰۵-۱۲E/۳-	INF
(۰)I	۰۰۰۱/۰	۰۵-۶۶E/۴-	COR

منبع: یافته‌های تحقیق

همان‌طور که از نتایج آزمون در جدول (۱) مشاهده می‌شود، تمامی سری‌های زمانی مدل پنل دیتا یعنی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، درجه باز بودن، تورم، فساد، نقدینگی و هزینه‌های دولت مانا هستند و بنابراین می‌توان از خود متغیرها در مدل بدون نگرانی از مشکل رگرسیون جعلی استفاده کرد. قبل از تخمین مدل لازم است با استفاده از آماره آزمون F لیمر همگنی داده‌ها و در نتیجه استفاده از روش تخمین داده‌های تابلویی مورد آزمون قرار گیرد. نتایج آماره آزمون F دلالت بر معنادار بودن استفاده از روش داده‌های تابلویی به جای روش حداقل مربعات تجمیع شده دارد. نتایج این آزمون در جدول شماره ۲ ارائه شده است.

جدول ۲: نتایج آزمون معنادار بودن اثرات ثابت در مقابل روش حداقل مربعات تجمیع شده

مقدار ارزش احتمال	مقدار آماره آزمون کای دو مربع	مقدار آماره آزمون F
۰/۰۰۰	۴۵/۷۴	۹/۳۱

مأخذ: یافته‌های تحقیق

در ادامه، به منظور انتخاب روش تخمین مناسب از بین روش با اثرات ثابت و تصادفی باید از آمارهٔ آزمون هاسمن استفاده شود. نتایج آمارهٔ آزمون هاسمن به منظور انتخاب روش تخمین مناسب نشان می‌دهد که برای تخمین مدل، استفاده از روش با اثرات تصادفی نسبت به روش با اثرات ثابت، روش مناسبی می‌باشد. نتایج این آزمون در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳: نتایج آزمون هاسمن برای انتخاب روش با اثرات ثابت و تصادفی

مقدار ارزش احتمال	درجهٔ آزادی	مقدار آمارهٔ آزمون کای دو مربع
۰/۳۱	۴	۵/۴۳

مأخذ: یافته‌های تحقیق

همان‌طور که ملاحظه شد، نتایج آمارهٔ آزمون هاسمن دلالت بر این دارد که مناسب‌ترین روش برای تخمین مدل در داده‌های تابلویی، روش اثرات تصادفی است. نتایج تخمین مدل تحقیق با روش اثرات تصادفی در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ۴: نتایج تخمین مدل با روش اثرات تصادفی

روش با اثرات تصادفی (Random Effect)			
ارزش احتمال (PV)	مقدار آماره t	ضرایب	متغیرها
۰/۰۲	۳/۴۲	۰/۱۰۵	C
۰/۰۰۰	۴/۶۵	۰/۰۸۰	OPEN
۰/۰۰۰	۵/۳۹	۰/۱۷	GC
۰/۰۶۲	-۱/۹۵	-۰/۰۰۵	M _۲
۰/۰۰۱	-۳/۷۳	-۰/۰۹۰	INF
۰/۰۰۱	-۳/۴۲	-۰/۲۳۱	COR
$DW = 2.09$ و $F = 80.49$ ، $\bar{R}^2 = 0.94$ ، $R^2 = 0.96$			

منبع: یافته‌های تحقیق

بر اساس نتایج جدول ۴، ملاحظه می‌شود که مدل تخمین زده شده از برازش نسبتاً بالایی برخوردار بوده و معیارهای اساسی پذیرش رگرسیون همانند ضریب تعیین تعدیل شده، علامت انتظاری ضرایب و معنادار بودن ضرایب تکی و کلیت رگرسیون همگی دلالت بر مناسب بودن رگرسیون برازش شده است. در نتیجه می‌توان بر اساس نتایج حاصل از آن تجزیه و تحلیل‌های اقتصادی انجام داد. همان‌طور

که ملاحظه می‌شود، نتایج به‌دست‌آمده حاکی از آن است که افزایش در شاخص ادراک فساد یا کاهش فساد اداری دارای تأثیر منفی و معنادار بر جذب جریان مستقیم سرمایه‌گذاری خارجی می‌باشد. به عبارت دیگر، به ازای هر واحد افزایش فساد اداری، به طور متوسط جذب جریان مستقیم سرمایه‌گذاری خارجی در حدود ۰/۲۴ واحد کاهش می‌یابد. علاوه بر این، اثر متغیرهای حجم نقدینگی و نرخ تورم بر جذب جریان مستقیم سرمایه‌گذاری خارجی منفی و معنادار بوده است. سایر یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که متغیرهای درجه باز بودن اقتصاد و مخارج دولت دارای تأثیر مثبت و معنادار بر جذب جریان مستقیم سرمایه‌گذاری خارجی در این گروه کشورها بوده است. به عبارت دیگر، با افزایش نسبت تجارت به تولید ناخالص داخلی و با افزایش نرخ رشد نقدینگی، جذب جریان مستقیم سرمایه‌گذاری خارجی افزایش یافته است.

۵. راه‌های جذب سرمایه‌گذاری در افغانستان و چالش‌های آن

یافته‌های تحقیق نشان داد که فساد اداری می‌تواند به عنوان مانعی بر سر راه جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی قرار بگیرد که کشور افغانستان نیز از این موضوع مستثنی نمی‌باشد. با توجه به اهمیت سرمایه‌گذاری خارجی در افغانستان، ضرورت می‌یابد که چالش‌ها و فرصت‌های سرمایه‌گذاری در افغانستان به صورت مجزا مورد بررسی قرار گیرد.

مسئله مهم این است که آیا زمینه‌های جلب سرمایه‌گذاری خارجی در افغانستان وجود دارد یا خیر. از آن‌جا که امروزه عصر جهانی شدن بوده و جهانی شدن اقتصاد یکی از ابعاد جهانی شدن می‌باشد که به طور جدی در مطالعات توسعه سیاسی، اقتصاد سیاسی، روابط بین‌الملل و خیلی از رشته‌های دیگر مورد توجه قرار گرفته است. این جنبه دربردارنده جهانی شدن تولید و معاملات مالی می‌باشد. این امر به گونه‌ای تنگاتنگ با پیشرفت تحلیل داده‌ها و تکنولوژی اطلاعاتی مرتبط است که برقراری ارتباطات عظیم بین نقاط مختلف جهان و تشکیل یک نظام مالی فراملی را ممکن می‌سازد و اقدامات شرکت‌های چندملیتی را تسهیل می‌کند. تولید جهانی و ^{تاسیس ۱۳۹۴}جایه‌جایی سرمایه اکنون از طریق اقدامات شرکت‌های چندملیتی یکپارچه شده است. این شرکت‌ها سردمدار جهانی شدن اقتصاد هستند که بر اساس آن، تولید شرکت به کشوری که شرکت در آن تأسیس شده، محدود نمی‌شود؛ بلکه نمایندگی‌های مختلف تولیدی در کشورهای مختلف بر مبنای سرمایه‌گذاری خارجی مستقیم به وسیله خود شرکت، به امر تولید می‌پردازند؛ بنابراین، جهانی شدن اقتصاد خود دنبال جایی می‌گردد که منابع ارزان داشته باشد و با کم‌ترین هزینه بتواند اجناس خود را تولید کرده و به بازار عرضه نماید؛ یعنی جهانی شدن برای کشورها زمینه‌ای را فراهم کرده است که نمایندگی شرکت‌های چندملیتی را در کشور خود جلب و جذب نماید.

اما مهم است مشخص شود که در افغانستان زمینه‌ها و فرصت‌های جلب سرمایه‌گذاران خارجی فراهم است یا نه. از آن‌جا که افغانستان منابع مختلف زیرزمینی دارد و جدیداً این منابع کشف و به بهره‌برداری سپرده می‌شود و کشورهای مختلف تلاش دارند در بخش منابع زیرزمینی افغانستان با افغانستان همکاری نمایند؛ بنابراین، می‌توان گفت که منابع وجود دارد؛ اما این که نسبت به کشورهای دیگر ارزان است، بستگی به دولت افغانستان دارد. اگر دولت این منابع را ارزان در اختیار شرکت‌ها قرار بدهد، از این جهت شرکت‌ها ممکن نمایندگی تولید و مالی خود را در افغانستان تأسیس نمایند. از طرفی، منابع انسانی ارزان در افغانستان وجود دارد که شرکت‌ها می‌توانند از منابع انسانی موجود با کم‌ترین هزینه استفاده نمایند. منابع انسانی از آن‌جا در افغانستان ارزان می‌باشد که دولت و سکتور خصوصی تا هنوز نتوانسته‌اند در زمینه ایجاد اشتغال موفق باشند و بنابراین، میزان بیکاری در افغانستان زیاد است و سرمایه‌گذاران خارجی می‌توانند با کم‌ترین هزینه از منابع انسانی استفاده نمایند؛ بنابراین، منابع مادی و انسانی تا هنوز برای جلب سرمایه‌گذاران خارجی فراهم است.

همان‌طور که در بالا گفته آمد، سرمایه‌گذاری در کشورها به‌گونه تنگاتنگ با پیشرفت تحلیل داده‌ها و تکنولوژی اطلاعاتی مرتبط است که برقراری ارتباطات عظیم بین نقاط مختلف جهان و تشکیل یک نظام مالی فراملی را ممکن می‌سازد و اقدامات شرکت‌های چندملیتی را تسهیل می‌کند. در افغانستان بعد از سال ۲۰۰۱ میلادی، در بخش‌های تکنولوژی مخابراتی پیشرفت‌های خوبی داشته است؛ یعنی پیشرفت‌های تکنولوژی مخابراتی باعث شده است که ارتباطات با کشورهای مختلف دیگر تسهیل شده و سرمایه‌گذاران خارجی از این بابت دغدغه‌ای نداشته باشند؛ بنابراین، پیشرفت تکنولوژی مخابراتی زمینه سرمایه‌گذاری خارجی را فراهم کرده است.

افغانستان از آن‌جا که تمام نیازمندی‌های خود را از کشورهای مختلف دیگر با هزینه زیاد وارد می‌سازد، ایجاد شرکت‌های مختلف باعث می‌شود که نیازمندی‌های مردم با کم‌ترین هزینه برآورده شود؛ بنابراین، مردم از سرمایه‌گذاران به دلیل ایجاد اشتغال و برآورده شدن نیازهای‌شان با کم‌ترین هزینه حمایت خواهند کرد. حمایت مردم از سرمایه‌گذاران خارجی باعث می‌شود که سرمایه‌گذاران با اطمینان و اعتماد دست به سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف بزنند.

اما چالش مهم فراروی سرمایه‌گذاران خارجی در افغانستان وجود دارد و آن مسئله امنیت افغانستان می‌باشد؛ یعنی نبود امنیت باعث می‌شود که زمینه‌ها و فرصت‌های سرمایه‌گذاری از خارجیان در افغانستان گرفته شود. دولت افغانستان تا هنوز نتوانسته است مسئله امنیت را حتی در پایتخت حل نماید؛ یعنی گاه‌گاهی در پایتخت افغانستان شورشیان با قرار گرفتن در ساختمان‌های نیمه‌کاره، نهادهای مهم دولتی را هدف قرار می‌دهند. هم‌چنین، با حملات انتحاری، زندگی خیلی از شهروندان غیر نظامی

و نظامی افغانستان را می‌گیرد. این مسئله این سؤال را برای شرکت‌های چندملیتی و سرمایه‌گذاران خارجی مطرح می‌کند که دولت افغانستان وقتی امنیت نهادهای مهم و شهروندان افغانستان را در پایتخت تأمین نتواند، چطوری می‌تواند امنیت شرکت‌ها را تأمین نماید. این مسئله در نهایت باعث می‌شود که شرکت‌های چندملیتی و سرمایه‌گذاران خارجی افغانستان را گزینه مناسب برای سرمایه‌گذاری نیابند.

هم‌چنین، باید توجه داشت که شرکت‌های چندملیتی و سرمایه‌گذاران خارجی زمانی در کشوری سرمایه‌گذاری می‌کنند که جابه‌جایی سرمایه با کم‌ترین تهدید ممکن شود. نقل و انتقال سرمایه با امنیت فعلی در افغانستان ممکن نیست؛ بنابراین، شرکت‌های چندملیتی و سرمایه‌گذاران نمی‌توانند با وضعیت امنیتی موجود در افغانستان اعتماد نموده و در افغانستان سرمایه‌گذاری نمایند؛ بنابراین، باید گفت که بعضی زمینه‌ها و فرصت‌ها مانند منابع مادی و انسانی ارزان، پیشرفت‌های تکنولوژیک برای برقراری ارتباط و تحلیل داده‌ها برای سرمایه‌گذاری در افغانستان فراهم است؛ اما نبود امنیت باعث می‌شود که تمام زمینه‌ها و فرصت‌ها نادیده گرفته شوند؛ بنابراین، دولت برای جلب سرمایه‌گذاران خارجی باید تلاش نماید که امنیت بخش‌های مختلف افغانستان را تأمین نماید.

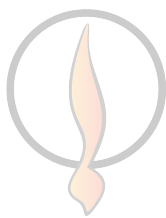
۶. نتیجه‌گیری

فساد اداری و اقتصادی، پدیده‌ای هستند که کم و بیش در همه کشورهای جهان وجود دارند؛ اما نوع، شکل، میزان و گستردگی آن در هر کشور متفاوت است. امروزه، فساد اداری و مالی به یک معضل جهانی مبدل شده و باعث آسیب‌های بسیاری می‌شود. این معضل، اقتصاد داخلی کشورها را فلج و جریان توسعه را مختل می‌سازد و اصل حاکمیت قانون را مخدوش می‌کند. فساد اداری با هدر دادن منابع ملی همراه است؛ در حالی که این منابع باید به شیوه‌های درست و در جایگاه اصلی خود مورد بهره‌برداری قرار گیرند تا موجب رشد و شکوفایی و پویایی اقتصاد کشور شوند. از آن‌جا که فساد، فرایند تخصیص منابع مالی را از هدف خود منحرف می‌سازد، منجر خواهد شد که منابع مالی کمک‌چندانی به رشد و توسعه اقتصادی نداشتند؛ بنابراین، با توجه به اهمیت مفهوم فساد اداری و اثرگذاری آن بر جذب جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، در این مطالعه به بررسی این موضوع پرداخته شد. یافته‌های اصلی این مطالعه نشان داد که در بین متغیرهای مورد بررسی، متغیر فساد اداری دارای بیش‌ترین اثر بر جذب جریان مستقیم سرمایه‌گذاری خارجی بوده که این اثرگذاری به طور منفی بوده است. در همین راستا، از آن‌جا که فساد اداری موجب کاهش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و بهره‌وری آن، تقلیل سطح خدمات اجتماعی به‌ویژه برای افراد فقیر و کم‌درآمد و افزایش هزینه زندگی و قیمت‌ها و کاهش رشد اقتصادی می‌شود، پر واضح است که چنانچه با این پدیده شوم مقابله نشود،

منابع

۱. حسین‌زاده بحرینی، محمدحسین (۱۳۹۳)، «عوامل مؤثر بر امنیت سرمایه‌گذاری»، دوفصلنامه جستارهای اقتصادی، شماره ۲.
۲. داودی، پرویز و اکبر شاه‌مرادی (۱۳۹۳)، «بازشناسی عوامل مؤثر بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ۴۶ کشور جهان»، پژوهش‌های اقتصادی، شماره ۲.
۳. زراءزاد، منصور و ابراهیم انواری (۱۳۹۴)، «کاربرد داده‌های ترکیبی در اقتصادسنجی»، فصلنامه علمی - پژوهشی اقتصاد مقداری، شماره ۴.
۴. نجارزاده، رضا و مهران ملکی (۱۳۹۴)، «بررسی تأثیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر رشد اقتصادی با تأکید بر کشورهای صادرکننده نفت»، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، سال هفتم، شماره ۲۳.
۵. نجارزاده، رضا و وحید شقاقی شهری (۱۳۹۳)، «رتبه‌بندی کشورهای OIC بر اساس عوامل مؤثر بر جذب سرمایه‌گذاری خارجی» دوفصلنامه جستارهای اقتصادی، شماره ۲.
۶. نظیفی، فاطمه (۱۳۹۴)، اثر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر رشد اقتصادی برخی از کشورهای در حال توسعه طی سال‌های ۱۹۷۳-۱۹۹۳، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.
7. Asiedu, E. (2012). On the Determinants of Foreign Direct Investment to Developing Countries: Is Africa Different?. *World Development*,30(1): ,107-119..
8. Banga, R. (2019). Impact of Government Policies and Investment Agreements on FDI Inflows. *Indian Council for Research on International Economic Relationship (ICRIER)*, 1:31-56. .
9. Brenton, P. & A. Winters. (2018). Estimating the International Trade Effects of: West Germany. *Journal of Common Market Studies*,30: ,143-156. .
10. Casson, T. (2009). *The Future of the Multinational Firm*. London, Macmillan. Chunlai, C. (1997). *The location Determinants of FDI in Developing Countries*. CIES Discussion Paper Series.
11. Dunnig, J. (2009). The European International Market Programme and inbound FDI. *Journal of Common Market Studies*, 35: 1-30..
12. Edwards, S. (2000). *Capital Flows, Foreign Direct Investment and Debt- Equity Swaps in Developing Countries*. NBER Working Paper No. 3497. .
13. Frawsen, G. & J. Henrick. (2014). *FDI & Developing Countries, How to Attract Trans National Corporation?* School of Economics and Management, LUND University, No:36 .
14. Globerman, S. (2012). *Trade, FDI and Regional Economic Integration, Cases of North America and Europe*. Western Washington University, Collage of Business and Economics Bellingham, Washington 98225,37: ,1-17..

15. Hausmann, R. & E. Fernandez-Arias. (2000). the new wave of Capital Inflows: Sea Change or Just another Title? Inter-American Development Bank Working.
16. Jaspersen, F.Z., A.H. Aylward & A. D. Knox. (2015). The Effect of Risk on Private Investment: Africa Compared With other Developing Areas. IN P. Collier, & C. Pattillo (EDS.) Investment and Risk In Africa, 43(3): ,71- 95..



بنیاد اندیشه
تاسیس ۱۳۹۴